

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.
۱۳ اگست ۲۰۱۴

دعا، ملا و شفاعت در اسلام



لطفاً به این عکس توجه فرمائید که این دکانداران دین و دنباله روان شیخک های عربی از چنین سن و سالی به ما غلامی و بردگی را می آموزانند ؟؟؟!

با توجه به خرافات واضح و غیر قابل انکاری که در دین اسلام وجود دارد تعجب خواهیم نمود که یک تعداد از شیوخ و نوکران دست به سینه شان اسلام را یک دین خرد گرا و علمی تعریف می دارند ؟ گلو پاره می دارند که : اسلام علم است ، اسلام سیاست، ادب، اخلاق، فلسفه، روشنگری، و ... است، که با در نظر داشت اصول اساسی دین اسلام، و نگاه ساده بر تداوم و خدمات غلامان و نوکران سر زمین های دیگر به او شان از این تعجب بیرون خواهیم رفت اما اگر موجودیت جن، پری، دیو، کوه قاف و سایر مزخرفات اسلامی را یک طرف نگذاریم و روی این موضوعات صحبت هائی داشته باشیم به یقین عالمان دین اسلام شرمنده و خجلت زده نخواهند شد چون طراحی آنها در همچو موارد آنقدر طفلانه و ساده است که با اندک تعمق با افکار روشن قرن ۲۱ در مورد آن باورمندی ها که خیلی احمقانه و ابلهانه است همه موضوعات روشن شده و بدون پرده در انظار قرار خواهد گرفت به ارتباط خرافات اسلامی توجهی به نوشته پرو فیسر مک دونالد داشته و مختصراً به قسمتی از یاد آوری او به ارتباط همین مزخرفات اسلامی می پردازم و آن این که : هنگامی که (حسن بن ثابت) از یکی از خیابانهای مدینه

عبور می کرد **جنی** روی او پرید و او را به سوی پائین فشار داد و مجبورش کرد تا یک بیت شعر بگوید، حسن بن ثابت از آن پس قریحه چکامه سرائی پیدا کرد و جن یاد شده به گونه مستقیم چکامه سرائی را به او الهام کرد و او از جن ها به نام (**برادران جن**) نام برد (**البته خوانندگان گرانمایه این را با برادران ناراضی کرزی در اشتباه نخواهند گرفت ، چون جن تا جایی که من می دانم تا حال ضررش به کسی نرسیده (چون اصلاً وجود خارجی ندارد) ، بیناموس و جنایت کار نبوده و باید از برادران کرزی تفاوت شود ، معذرت می خواهم**) و اظهار می دارد که جن ها از آسمان اشعار پر وزن و قافیه به او الهام می کردند.

نکته بسیار جالب آنست که مضمون هائی که حسن بن ثابت در چکامه هایش به کار می برد شبیه وحی هائی است که از آسمان نازل می شده و در قرآن به کار رفته است.

این خرافات اسلامی و طرح مزخرفات عالمان دینی در چوکات بندی های مقدس اسلامی به اندازه ای زیاد است که نمی توان در شرح آنها در یک نوشته ویا یک کتاب پرداخت ، باید ماه ها و سالها پشت هم نوشت تا این همه چرندیات و ماهیت اصلی آنها را روشن ساخت، بهتر است قدم به قدم و مرحله به مرحله پیش رفت و همچنان که اسلام و دنباله روان شیخان عربی به آهستگی و آرامش مشغول مسموم ساختن اذهان مردم بی خبر از همه جا درین صد ها سال هستند با همین مدارا باید در بیداری مردم، روشن شدن اذهان آنها و نجات ایشان از این زهر دینی کوشید تا باشد روزی با بیداری مردم خوش باور در و پنجره های این دکانها بسته گردد تا بوی بد آن، زجر دهنده مشام انسان های پاک نباشد

یکی از این مزخرفات که ملا گک های ما را معتاد به آن ساخته اند عمل دعا نمودن می باشد ، ببینیم که ایندعا چیست؟ و چرا ما را مجبور به دعا نمودن ساخته و می سازند ؟

دعا نمودن یکی از مقررات دین اسلام بوده و شرایط به خصوص خود را دارد، یعنی ملا های ما آن را وضع نموده اند تا بیش از پیش ما را در اجرای امورات زندگی خود و جامعه عاجز ساخته و دست کمک به موجود ماورالطبیعه که تا اکنون هیچ دعای را هم قبول ننموده و دردی را دوا نکرده و گریه از کار مردم بینوا و فقیر نکشوده است دراز نموده، طلب کمک نمائیم و فقط خود را تسکین دهیم

و مضحک این است که وقت دعا نمودن باید عربی گوئیم و صورت ما هم به علامت تعظیم به طرف باید عربستان باشد تا الله متوجه آنچه می گوئیم شود

حالا اگر معتقد به دین اسلام باشیم باید این موضوع را هم بدانیم که سر نوشت ما در یک زمانی از گذشته های دور از طرف الله تعیین گردیده و هیچ چیزی نمیتواند آنرا تغییر دهد و همچنان در انجام اعمال خود اختیار نداریم، آنچه قلم زده شده است همان می شود و این موضوع اعتقاد به سر نوشت از قبل تعیین شده، دعا نمودن و تغییر آنچه بر ما می گذرد و خواهد گذشت کار مشکل حتی ناممکن خواهد بود ، اما این غلامان شیخک ها برای این طرح شان هم راه های را جلوی پای خوش باوران دینی میگذارند به این مفهوم که انسان برای رفع هر مشکل خود باید مطابق قوانین و مقررات مطروحه شان دعا کند و اگر دعای شان مستجاب نشد (که) مسلماً نمی شود و تا حال نشده است) و با بیشمی کامل می گویند که باید به واسطه ها و رابطه ها پناه برد چون نمی توان به این آسانی ها و مستقیماً به خدا رسید !؟

سوالی پیدا می شود که آیا می توان با دعا و دیگر اعمال اسلامی قضا و قدر الهی را تغییر داد؟ آیا محرومان جامعه می توانند با دعا به همه نعمات مادی و طبیعی که زور گویان و دنباله روان شیخک های عربی از آنها گرفته اند برسند ؟؟ و حد اقل یک ماه و یا یک روز با شکم سیر به خواب روند ؟؟؟؟؟؟؟

ما با دعا نمودن از الله می خواهیم آنچه او در باره ما، زندگی و سرنوشت ما از تصمیم و اراده داشته منصرف و خلاف آن همه تدابیر و تصمیمات قلبی خود عمل نموده و ما را به خوشبختی برساند !! مگر این موضوع قابل قبول الله است ؟ مگر الله این را در وقت تعیین سرنوشت بنده هایش می فهمید یا نه ؟؟ برای روشن شدن این موضوع می توان با طرح مثالی به نتیجه رسید ، مثلاً در روز ازل، آن زمانی که الله کامل می شد و می خواست این موضوع را برای بندگان عاجزش بعد از میلیارد ها سال خلقت تفهیم بدارد که او خالق است ! او قادر است ! و ... سرنوشت میلیونها انسان را هم رقم زد ! یکی را خوب و دیگری را بد !!! و این موضوع را غیر قابل بر گشت اعلان نمود !، او را در یک خانواده عیسوی ، یهودی و یا هم مسلمان فقیر و درمانده متولد ساخته است رزق و روزی او هم کم و بیش نمیشود. حال آن بد بخت ها در حالت مأیوسی دور نگهداشته شده از فهم و دانش چه کارهایی را باید انجام دهند، که همه چیز به نفع شان تغییر یابد ؟؟

اینجاست که گروهی سر تراشیده و ریش دار، با چشمان از حدقه بر آمده ، شکم قطور، نفس شیطانی، مغز بدون عقل و منطق، وجدان و شرف باخته حاضر در خدمتگذاری به استعمار با افکار پلید و زهر آگین به نام ملا، عالم دین، چلی و طالب تسبیح به دست الله گویان با عربی شکسته و ریخته در چوکات بندی جسمی یک آدم ظاهر می شود و راهی را به نمایندگی از الله جلو پای مردم خوش قلب و نا آشنا با فتنه و نیرنگ های مقدس می گذارد تا ازین همه مصیبت ها رهایی یابد؟ ؟ خیلی ساده! آسان فقط دعا ؟!!!!

حال اگر تصور کنیم که این موضوع حقیقت دارد ؟ چه مضحک خواهد بود که این همه جار و جنجال ها، وقت تلف نمودن ها، و به خود زحمت دادن های الله !!! فقط با چند کلمه که آن را دعا می گویند همه هیچ شود ؟ و ارزش حاکمیت و سرنوشت سازی خود را از دست بدهد ؟؟؟ و ما شویم موجودی به جز آنچه الله ساخت و توقع داشت؟؟

آیا الله می دانست که اگر کمی عاقل شویم یعنی فارغ از وسوسه و فریب این چلی گک ها و شیوخ عرب کمی انسانی و معقول خارج از چوکات بندی های اسلامی فکری نموده و در فلان زمان و فلان مکان در قبال سرنوشت خود چه می خواهیم؟ اگر می دانست و می داند چرا این همه تغییر (چیز های تغییر نا پذیر) را (طوری که نماینده هایش تبلیغ می دارند !) می پذیرد ؟ اما فقط می خواهد که خواسته های خود را به عربی و رو به عربستان به زبان آریم ؟ زاری و گریه نماییم ؟ تا او خلاف میل و اراده خلل نا پذیرش مجبور به پذیرش خواست ما شود ؟ اگر خواسته های ما را نمی داند و نمی دانست پس یکی از گوشه های علمیت های او در باره مخلوقاتش کم و کاستی دارد دعا در لغت به معنای ندا و صدا زدن است و در اصطلاح بدین معناست که فرد پست و پائین از فرد برتر و بالا با حالت خضوع و سرافکندگی چیزی را طلب کند، در واقع دعا نوعی خواندن و جلب توجه نمودن است (نظریات شیخک ها است) و این خواندن نه به این معناست که ای خدا، فکرت با من باشد و به من توجه کن، زیرا که خداوند از رگ گردن به ما نزدیکتر است و سمیع و بصیر می باشد، بلکه به این معناست که خداوند تو را می خوانم، نه کس دیگری و درخواست توجه تو را دارم، نه دیگری، یعنی (ای پادشاه ، پادشاهان، ای قادر متعال، ای ... مرا دست

گیر و به من رحم کن و مرا ازین حالت بردگی نجات ده، شکم را سیر کن ...)؟؟

این رقاص های شیوخ عرب چنین توصیه و سفارش می کنند.

اسلام در شرایط به خصوص دعا را لازم می شمارد و دعا کننده باید دارای عقاید ذیل باشد:

نزدیک پنداشتن خداوند و اعتقاد به این که خدا نزدیک ماست و می شنود،

بر گردن نداشتن حق الناس و دوری از گناه و توبه کردن از گناهان

رعایت احترام و ادب در مقابل خداوند هنگام درخواست حاجت

اعتقاد داشتن به قدرت الهی و این که او قادر است تمام نیازهای ما را برطرف سازد، به جای آوردن شکر عملی و لسانی نعمتهای الهی داشتن حالت خوف و رجاء به انتها رسیدن صبر و مضطر شدن دل نیستن به غیر خداوند و تنها از خداوند طلب حاجت کردن ، اصرار و پافشاری در طلب خواسته، دعا کردن در خلوت و پنهانی به هیجان آمدن از درد و غم و با اوج خواری و ذلت و نیاز دعا کردن عدم درخواست بر اساس هوی و هوس، به جای آوردن بندگی و اطاعت خداوند داشتن اخلاص و نیت صادقانه و بزرگواریانه بودن دعا استفاده از اسم اعظم الهی در دعا کردن، واسطه بردن به درگاه الهی، داشتن روزه و خالی بودن شکم، منافات نداشتن خواسته با حکمت الهی

در این مورد مشخص آرزو دارم یک کسی که خود را عالم دینی با شرف می خواند برای ما روشن سازد که (منافات نداشتن خواسته فرد دعا کننده با حکمت الهی) یعنی چی ؟؟؟؟؟؟؟ چون این شخص سر نوشتش خلاف آنچه می خواسته رقم زده شده است و از وضع زندگی خود هم ناراض است ! و مسلماً آنچه او می خواهد و برایش دعا می کند همان تغییر سر نوشتش می باشد ! حال اگر حکمت الهی چنین نباشد و یا ایجاب نکند که مسیر مشخص شده سر نوشت این فرد تغییر یابد ؟ مشکلی خیلی بزرگتر از آنچه تصورش را داشت به وجود می آید !! لطفاً یک عالمک دین ، مجتهد ، حجة الاسلامی، آیت الله ، پرو فیسور، داکتر حتی انجنیر دینی ، مولوی ، ملا ، چلی، طالب و هر کسی در همین ردیف باشد پیش آید و به روشن شدن افکار بنده همکاری و لطف نمایند !! تا روشن شوم.

ادامه شرایط دعا

برانت از مشرکین و منافقین و دشمنی (با دشمنان اسلام)، عدم شاخه به شاخه شدن در هنگام طلب خواسته، بیان جزئیات در هنگام طلب خواسته، توجه، تمرکز و عدم عجله در دعا کردن، رعایت نظافت و پاکیزگی، برداشتن موانع استجاب دعا، تبلیغ دین خدا و ترویج آن ، و می توان به این مرحله هم وارد شد ، خوب ملای عزیز ! ما بنده مطیع، عاجز و بی خبر از همه جا !! می خواهیم بدانیم چه کاری انجام دهیم تا از این همه بد بختی های روز نجات یابیم ؟ شکم ما یک کمی سیر شود ، صحت ما یک کمی خوب باشد ! قسم تا زنده هستم، بنده ای تابع و عبادت کننده الله و خد متکذار صادق رهنمایان خود مثل همین ملا فلان، مولوی فلان و می باشم فقط مرا ر همنائی نمایند می گویند:

این دعا نمودن و مراعات نمودن آداب اسلامی دعا و انواع و اقسام مختلف دارد:

از حضرت علی منقول است که فرمود: هر کس که صد آیت از هر جای قرآن بخواند، بعد هفت مرتبه «یا الله» بگوید، اگر بر صخره هم دعا کند، خداوند متعال آن را می شکافد، (آیا شکمی گرسنه ای هم سیر می شود ؟؟)؟

علی که فعلاً وجود ندارد ، آیا نماینده های علی می توانند درین مورد توضیح دهند ؟؟ چون ما فعلاً به شکافتن صخره ضرورت نداریم فقط لقمه نانی برای جلوگیری از مردن قبل از وقت لازم داریم ؟؟

از امام هادی روایت شده که فرمود: من در بسیاری از اوقات خدا را با این دعا می خوانم، و از درگاه خداوند خواسته ام که هر کس در کنار قبرم، این دعا را بخواند، خداوند او را ناامید نکند، و آن دعا این است:

یا عدتی عند العدد، و یا رجائی و المعتمد، و یا کھفی و السند، و یا واحد و یا واحد، و یا «قل هو الله احد» اسئلک اللهم بحق من خلقتهم خلک و لم تجعل فی خلک مثلهم احدا، صل علی جماعتهم، و افعل بی کذا و کذا (حاجت دعا کننده ذکر شود)

ای یاور من هنگام یاری ها، و ای امید و اعتمادگاه من، و ای پناهگاه و تکیه گاه استوار و یکتا و ای بی همتا، و ای «قل هو الله احدی» از درگاهت مسألت دارم به حق آن مخلوقاتی که هیچکس را در مقام مانند آنها نیافریدی، بر جماعت آنها رحمت فرست، و فلان رحمت و فلان رحمت و فلان نیازم را برآور.

قرانت دعای سمات در آخر روز جمعه نزدیک غروب برای قضای حوائج و خصوصاً برای دفع دشمنان بسیار مجرب است و استجاب دعا بعد از قرانت به مدت ۴۰ روز از یقینات است، (حال که صحبت از یقینات است، لطفاً هم وطنی این عمل را انجام دهد و از نتیجه خدمت بقیه خوانندگان عرض حال دارند) ؟

برای استجاب دعا قبل از اذان صبح یا بعد از نماز نافله صبح (بعد از اذان) ۱۸۰ مرتبه ذکر "یا سمیع" خوانده شود، تعداد کبیر این ذکر ۱۸۰ و تعداد وسیط آن ۱۸ و تعداد صغیر آن ۹ می باشد، اگر کسی اسم مبارک "یا سمیع" را روز پنجشنبه بعد از نماز ۵۰۰ بار بخواند هر دعا و حاجتی که خواهد روا گردد، و اگر قاری به این قیام کند مستجاب الدعوه گردد، و هر روز به طریق اوراد **چهارصد و دو** نوبت بخواند "یا سمیع یا بصیر" هرگز به هیچ چیز محتاج نشود و رسوا نگردد و دعاها و امستجاب شود و صفای باطن او را حاصل گردد، (**خوانندگان ارجمند!** **باور کنید من این دعا را بیش از آنچه نوکران شیخک های ما توصیه داشته اند خوانده ام اما به علاوه این که جزئی ترین احتیاج زندگی ام رفع نشده محتاج تر هم شده ام**) ؟

هر که در وقت دعا ۷۰ بار اسم مبارک "یا بدیع" را بخواند دعای وی مستجاب شود، اگر کسی بعد از فراغ از نماز دستها را بردارد و هفت نوبت این اسم مبارک "یا وهاب" را بخواند و حاجت بخواند البته دعای او مستجاب است، مداومت بر اسم مقدس سمیع الدعاء و مجیب الدعاء موجب استجاب دعاست.

جهت رفع حاجات هر روز ۳۵۰ مرتبه ذکر "نعم المولی و نعم النصیر" خوانده شود، جهت رفع حوائج مهم (یک یا چند حاجت)، کمی بعد از طلوع آفتاب روز جمعه یا در صورت موفق نشدن، بعد از نماز ظهر و عصر روز جمعه، ۱۰۰۱ مرتبه خواندن اسم مبارک المجیب بسیار مجرب است،

هر کس ۱۰۰۱ مرتبه اسم مبارک "المجیب" بگوید و به درگاه خداوند عرض حاجت نماید، مأیوس نگردد، (**یک نفر محاسب هم ضرورت است ! هم باید مدیر محاسبه باشد و هم عربی بداند ! راستی چرا!!**) (۱۰۰۱ بار؟ آیا **کوش الله نا شنوا است ؟**) تا این همه تکرار صورت گیرد؟

بعضی ها گفته اند هر کس در آخر هر دعائی ۲۶ مرتبه بگوید "یا سَرِیعُ یا مُجِیبُ" دعایش به اجابت می رسد، هر که ۱۱۰ بار اسم مبارک "المجیب" را بگوید و حاجت خود را بخواند حاجاتش برآورده شود و هر که دایم مداومت کند ایمن ماند از نکبات دنیا، (مثل شورای نظاری ها، گلبدینی ها، تخم نا پاک و کثیف پرچمی و خلقی ها و ...) و شاید هم به همین ملحوظ باشد که به صد ها تن از رهبران دستگاه خون آشام و بی ناموس حزب خلق امروز مسلمان شده، به مساجد می روند ! و آیت و حدیث می گویند ؟

اگر مهمی داری در یک مجلس ۹۰۰۰۰ بار این اسم را بخوان که دعای شما مستجاب خواهد شد و اگر میسر نشد بایستی که ۱۹۰۰۰ بار این اسم را بخواند، هر که خواهد مستجاب الدعوه شود هر روز ۶۶ بار این اسم را بگوید و در آخر این دعا را بخواند: **اَسْتَجِبْ دَعَوَاتِی کُلَّهَا یا ذَالْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ** همه دعاها و مستجاب گردد، (**بیا و پوره کن!**) (**لطفاً یک کمی تخفیف دهید و کوتاه آئید !!**) ؟

هر که هر شب اسم مبارک "باقی" را ۱۰۰ بار بخواند و شب جمعه ۱۰۰۰ بار بخواند خداوند دعای او را مستجاب سازد، به جهت استجاب دعا، آن را با "یا ذالجلال والاکرام" ختم نمایند.

هر که در سجده ۲۱ مرتبه نام مقدس یا ذوالجلال و الاکرام را بگوید و حاجت بخواند روا می شود، (**از من نشد**) ؟

به جهت برآورده شدن حوائج، مداومت بر ذکر "یا ذالجلال و الاکرام" به تعداد حداقل ۹ مرتبه در روز فراموش نشود، هر که اسم مبارک "یا کریم" راچندان بگوید که در خواب رود ملانکه بر وی دعا کنند و دعای ملانکه سریع الاجابت است، (شاید دعای ملایکه بیشتر از شمشیر شان مؤثر باشد؟ نمی دانم ! فقط می دانم که در بعضی جنگ های محمد با کفار ، آنها نا مردی کردند و نیامدند، و سبب شکست لشکر محمد شد !!) هر که هر روز ۱۳۰ بار یا ذلیل الْمُتَحَرِّیْنَ وَ یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ اَعِثْنِیْ" بگوید و باز بر سر دعوت رود چون تمام کند دو رکعت نماز حاجت بگذارد و طلب مراد کند خداوند حاجتش را روا کند.

کسی که کوچکترین حبی نسبت به دشمنان دین در دلش باشد بداند که حاجت او روا نمی شود (آن زمانی که من دعا می کردم و طلب حل مشکل ! من یک دیندار کاملاً خوب و خوشبایور بودم و از دشمنان دین بدم می آمد)؟ و نیز بدان که این صفت با قول و فعل و حتی با حالات ظاهری و قلبی ایجاد می شود و فرد دعا کننده با زبان و چهره و حالات قلبی باید از دشمنان اسلام و از دشمنان دین متنفر باشد.

جهت اینکه دعای ما به استجابت نزدیکتر شود در احادیث وارد شده است که باید به درگاه الهی واسطه ببریم و در این باره در قرآن کریم آمده است: « به سوی خداوند واسطه بجوئید» (جان موضوع همین است ، واسطه!!؟) دعائی که در بردارنده اسم اعظم الهی است به استجابت نزدیکتر است و در احادیث بسیاری است که دعائی که مشتمل بر اسم اعظم باشد ردّ نمی شود البته باید دانست که غیر از انبیاء و اولیاء الهی کسی از اسم اعظم الهی اطلاع ندارد که به عینه کدام اسم، اسم اعظم است هر چند در روایات فراوان به طور کنایه به آن اشاره شده است (چرا کنایه؟؟؟ که مثلاً فلان دعا یا فلان آیت دارای اسم اعظم است که بنابر روایات وارده اسم اعظم به احتمال قوی یکی از این اسامی است « الحی القيوم»، «الله»، «الرحمن»، «ذوالجلال و الاکرام» و «لا اله الا الله» (این هم یکی از نیرنکها و شعبی بازی اسلامیست)!!؟

در هنگام دعا کردن نباید خداوند را دور پنداشت و نباید پنداشت که خدا صدای ما را نمی شنود و ما باید صدایمان را بلند کنیم بلکه باید آرام و آهسته و با اطمینان و اعتقاد به این که او نزدیک ماست و صدای ما را می شنود دعا کنیم، خداوند در سوره قی فرموده است که « ما از رگ گردن به آنها نزدیکتریم» و در سوره بقره دارد که «ای پیامبر، هنگامی که از تو درباره من سؤال می کنند بگو من نزدیکم»، (درین صورت چرا محمد زحمت کشید و به اصطلاح بر خری انسان نما به آسمانها رفت و آخر هم از پشت پرده با الله گفت و شنود نمود؟؟ و همچنان اگر متن این آیت درست باشد ؟ چرا این همه ساده دلان سالانه با تقیل مصارف هنگفت به دربار شیوخ عربی رفته و به نام حج سنک را بوسه می زنند و سجده می کنند ؟ و یا به اصطلاح خود شان در خانه خدا می روند؟؟ اگر او – یعنی الله عربی - نزدیکتر از رگ گردن است و در همه جاست ؟ پس این همه سفر و مصارف بیجا لزومش در چیست؟؟ پس هرگز نباید او را دور بدانیم بلکه خداوند نزدیک ماست و صدای ما را می شنود، (ولی همین الله مهربان عرب اضافه تر از سی سال صدای ما و میلیونها مظلوم قربان شده زورگویان سیاسی اسلامی را نشنید، کسی می تواند بگوید چرا؟؟) در حدیثی است زمانی که پیامبر در یکی از غزوات بود، هنگامی که سپاهیان اسلام کنار درّه ای رسیدند، فریاد خود را به لا اله الا الله والله اکبر بلند کردند، پیامبر فرمودند: « ای مردم اندکی آرامتر دعا کنید، شما شخص گر و غائبی را نمی خوانید، شما کسی را می خوانید که شنوا و نزدیک است و با شما می باشد، حال که از بر کت پناه گوئی های شیوخ عرب و دنباله روان شان به اهمیت و آثار دعا کردن در زندگی شخصی و اجتماعی آشنا شدیم باید دانست که خواستن و طلب کردن، یعنی (دعا کردن) شرایط، آداب و اصولی دارد، مثل آداب جماع، آداب قضای حاجت ، آداب زن گرفتن، آداب بر نوامیس دیگران به نام جهاد تاختن ، آداب تاراج نمودن،

آداب بی ناموسی و آداب ...

آداب دعا کردن به شرایط ظاهری دعا گفته می شود و اصول دعا کردن، شرایط باطنی دعا کردن است که باید درون فرد ایجاد شود همانگونه که فرد اگر برای درخواستی نزد دیگری می رود، از قبل مقدمه چینی می کند، ادب را رعایت نموده و به شیوه مخصوص طلب حاجت می کند، زمانی که نزد خداوند متعال نیز می رود باید آداب و اصولی را رعایت کند، آداب و اصولی که خود خدا در قرآن و یا به وسیله نمایندگانش در احادیث بیان کرده است مسلمانان عقیده دارند که اصول دینی آنها به گونه مستقیم از آسمان نازل شده و این که قرآن به وسیله فرشته ای به نام جبرئیل از خداوند به محمد نازل شده و همچنان مسلمانان به اساس آیت ۱۹ سورة انعام آیت های ۲۱ و ۲۲ سورة بروج و آیت های سورة قدر عقیده دارند که متون قرآن ازلی و ابدی بوده که در لوح آسمان محفوظ و به محمد الهام شده است

با آگاهی به مطالب بالا به وضاحت می توان مشاهده نمود که این اسلام عزیز هیچ نوع تحرک و عملکرد انسانی اجتماعی را برای مردم، برای بر آورده شدن خواسته های معقول و اصلی شان پیشنهاد نمی دارد یعنی در همکاری با زور مندان و طبقات مسلطه اجتماعی سعی دارد تا بشریت را متوجه عاجز بودن شان در مقابل تمام تغییرات اجتماعی و سیاسی نموده و راه موهومی را که مطرح می دارد همان تضرع، دعا و طلب کشایش مشکلات از الله می باشد که آنهم در صورتی که نتیجه ندهد باید دست به دامان واسطه ها و یا مجریان فرامین الله شد یعنی مشخصاً باید دست به دامن همین ریش دار های پست و جنایت پیشه زد تا دعای بیچارگان به برکت شفاعت همین رذیلان اجتماع بشری به استجاب برسد ؟ از دید آنها همه مردم به آنچه آنها می گویند باید اعتقاد ، اعتماد داشته و دست های شان را ببوسند و هر چه از قوت و لایموت داشتگی خود و فامیل رنجیده خود را زیر پای شان بریزند!

ببینیم زمینه ساز این استجاب دعا کی ها می تواند باشد و روی کدام هدایت قرآنی استدلال می دارند:

قرآن در زمینه شفاعت (واسطه بودن بین انسانها و الله) دچار تناقض گوئی است، از یک سو اعلام می دارد که برخی از انسانها توانائی شفاعت کردن را دارند و از سوی دیگر سخنان خود را نقض می نماید؛ این کتاب در این زمینه تا جایی دچار تناقض گوئی است که حتی به برخی از آیاتش به بتها قدرت شفاعت را قائل شده است، اما آیات قرآن (با ترجمه محمد مهدی فولادوند):

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْضَىٰ وَهُمْ مِّنْ حَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ (انبیاء/۲۸) آنچه فراوی آنان و آنچه پشت سرشان است می داند و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند، إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ بِدَبْرِ الْأَمْرِ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (یونس/۳) پروردگار شما آن خدائی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش استیلا یافت کار [آفرینش] را تدبیر می کند شفاعتگری جز پس از اذن او نیست این است خدا پروردگار شما پس او را بپرستید آیا پند نمی گیرید.

فرشتگان هم می توانند شفاعت کننده انسانها نزد الله باشند:

وَكَمْ مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ (نجم/۲۳) و بسا فرشتگانی که در آسمانها [و] شفاعتشان به کاری نیاید مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد.

حتی به بتها هم قدرت شفاعت کردن قائل شده است، این آیت در مکه بیان شده و زمانی است که محمد در فشار بود: وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (زخرف/۸۶) و کسانی که به جای او

می‌خوانند [و می‌پرستند] اختیار شفاعت ندارند مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند.

ولی قرآن تمام سخنان سابقش را فراموش نموده و بیان می‌دارد:

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ أَلَيْسَ لَهُمْ مِّنْ ذُنُوبٍ وَّلَا شَفِيعٌ لَّهُمْ يَتَّقُونَ (انعام/۵۱) و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محشور شوند هشدار ده [چرا] که غیر او برای آنها یار و شفיעی نیست باشد که پروا کنند.

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره/۲۵۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی و کافران خود ستمکارانند.

ولی دوباره جمله قبلیش را نادیده می‌گیرد و می‌گوید:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (بقره/۲۵۵) خداست که معبودی جز او نیست زنده و برپادارنده است نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند و به چیزی از علم او جز به آنچه بخواهد احاطه نمی‌یابد کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آنها بر او دشوار نیست و اوست والای بزرگ.

می‌بینیم که در قدم اول این الله است که ناز می‌کند و کار هایش را مجهول جلوه می‌دهد و برای فهم و درک آن همه مجهولات و ره یابی به آن نقطه اصل پیشنهاد دلال بازی، واسطه و سازش و پیروی از تعدادی از بچه خوانده هایش را در قرآن باز تاب می‌دهد.

استناد بر این آیات دنباله روان و رقاصان شیخک های عربی را به وجد می‌آورد و کاری می‌کنند و فتوائی می‌دهند تا مردم عوام تفهیم شوند که آن موجود برگزیده شده و صلاحیت دار از طرف الله برای شفاعت انسانهای محروم از نعمات مادی جامعه ایشان هستند و خود را در مقامی قرار می‌دهند که شفاعت کننده مردم هستند و می‌توانند با این واسطه بازی ها و رمز و رموزی الهی را که بلد هستند می‌توانند خدا را فریب داده و تصمیمات الله را حتی سرنوشت و قضاء و قدر را تغییر دهند ! اما به شر طی که مراجعه کننده خالص و مخلص، با ادب، بی زبان، خوش باور، و از نعمات مادی بر خوردار باشد تا چیزیکی زیادی هم به او برسد ! و در مجموع شخص مطیع کامل واسطه باشد.

فکر می‌کنم با این بر رسی خیلی ها مختصر علت های اصلی ثروت اندوزی و دارا شدن رهبران مذهبی در جهان و مخصوصاً کشور ما تا اندازه ای روشن شده باشد ، چون بادر نظر داشت این موضوعات می‌توان حد اقل از خود پرسید که این همه ثروت تمام مذهبیین در کشور ما یعنی پیشوا ها و رهبران ، حضرت صاحبان، سید ها ، گیلانی ها ، نقیب ها از کجا پیدا شده و سر منشاء ان چه بوده است؟؟

آیا کسی از بین این همه عالمان دین می‌توانند لطف نمایند و بگویند که هزاران جریب زمین گیلانی ها، مجددی ها، نقیب ها، حضرت صاحبان، خلیفه بازار (پدر سلیمان لایق) سید کیان و ده ها بی عرضه و خاین به مقدسات انسانی از کجا به دست آمده است؟؟

این قانونمندی و طرح شیخانه دعا ها، و شفاعت گران بین مردم مظلوم و الله عربی ضرورت وجود یک تعداد

عناصر بی وجدان ، پست، خاین و زن ستیز را می کند که بد بختانه در کشور محروم ما تعداد آنها کم نیستند و هر کدام در داخل کشور و هم به سطح جهانی در اکثریت ممالک کفری سر بلند نموده و به نام عالم دین در خدمت و پای بوسی استعمار پوزه می مالند تا این مردم خوش باور و قربان شده را برای مدت های مدید نوکر منش در خدمت استعمار جهانی قرار دهند

به ما دعا می آموزند چرا؟؟ برای این که ما تبدیل به موجودات بیکاره ، تنبل، بی خاصیت و فاقد هر نوع احساس باشیم، و در مقابل همه جنایتها، بی ناموسیها ، و تجاوز زور مندان خاموش ایستاده و به الله پناه بریم ؟ در صورت بر نیاورده شدن طلبات ما (که هرگز دعای مظلومان و محرومان در هیچ مقطع زمانی قبول نشده و یقیناً نخواهد شد) صد ها و هزاران دلیل دارند که خواست، دعا و طلب ما مطابق شرایط وضع شده دعا؟؟ نبوده فلذا مورد قبول الله نگردیده است.

که باید وارد مرحله دوم آن شد و آن هم همان مراجعه به واسطه ها می باشد ؟ نظر به ادعای این بی شرفان تاریخ هر مصیبت ایجاد شده اجتماعی و سیاسی حیثیت بلای آسمانی و خواست خدا را می داشته باشد اما مقصر این مردم زجر دیده می باشند که در موقع دعا نکرده و یا هم اگر نموده اند شرایط و آداب دعا را در نظر نداشته اند و همچنان به واسطه ها مراجعه ننموده اند فلذا باید از عقوبت و جزا های الهی که مخصوص بیچارگان و طبقه زحمتکش است بی نصیب نخواهند شد

خواننده معزز این نوشته ! شرافتمندانه باید عرض کنم: من این دعا را به مراتب با خلوص نیت خوانده ام و این کار ها را انجام داده ام، در قبرستانها هم رفته ام ، شب های چهارشنبه در شهدای صالحین (قاتلین آباء و اجداد ما !) هم شبها قر آن خوانی نموده ام و تمام شرایط مندرجه قبول شدن این دعا ها را هم مراعات نمودم ، اما !! به شرافت همه انقلابیون سوگند که روز به روز بیچاره تر شدم و محتاج تر ! دعایم را هیچ کسی نشنید ! حتی همین ملا گک ها و رقاصان شیوخ عرب و رواج دهنده این تنبلی و بیکارگی (!!!)? شما هم می توانید امتحان نمایید

اصول و رسومی که ۱۴ قرن قبل توسط اشخاصی که در راه به دست آوردن قدرت ، فرمانروائی بر دیگران به وجود آمده با اشغال سر زمین های دیگر بر مردم بومی آن تحمیل گردیده است امروز به شکل هدایات و اوامر مقدس الهی در آمده که پخش کننده نوای غم انگیز یک موسیقی کشنده ذهن و مغز های جوانان به شمار می رود و بخش عظیمی از نسل امروز را در کشور های اسلامی مسموم می سازد.